

طولانی‌ترین نقاشی دیواری جهان

حمله وحشیانه دزدان به یک مغزدار

۲ تبهکار به جرم ربودن دختری بازداشت شدند

شوک واقعی

مرد ساکت

نه تنها در میان جمع بلکه در عالم تنهایی و خلوت با من در خانه، حرفی نمی‌زد. تنها مشغله اصلی اش زمان بیکاری یا استراحت و روز تعطیل خیره شدن به تلویزیون و تماشا برای برنامه‌های مختلف بود.

اگر در بین برنامه تلویزیونی مورد علاقه‌اش، کانال تلویزیونی را ناخودآگاه عوض می‌کردیم یا آن خاموش می‌شد، هیچ اعتراضی نمی‌کرد و این موضوعی بود که بیش از همه باعث آزار و اذیت من به عنوان همسرش می‌شد. نمی‌دانم در سرش چه می‌گذشت، زمانی که از «پهروز» سوآلی می‌پرسیدم جوابم را با کوتاه‌ترین جملات می‌داد. جملات کوتاهی مانند نمی‌دانم، چه بگویم یا شاید را به نظر من فقط و فقط برای رفع تکلیف در پاسخ به من بر سر زبان می‌آورد. در بسیاری موارد نیز پاسخ مرا با یک بله یا خیر می‌داد و دیگر هیچ حرفی نمی‌زد، اگر با سوالات مدام من برای به حرف کشیدن خود یا در دل کردن مواجه می‌شد، اتاقی که چه عرض کنم، بدون اعتنا به من خانه را به پنهان هواخوری ترک می‌کرد و پس از یکی دو ساعتی به خانه باز می‌گشت. همیشه زمان بازگشت پهروز به خانه سعی می‌کرد مرتب باشم تا نظر وی جلب شود اما انگار نه انگار که من برای وی در خانه وجود داشتم.

در حالی که خیلی از دوستان من از داشتن همسری پر انرژی و زبان باز شاک می‌بودند و از پهروز به عنوان مردی آرام و متین تعریف می‌کردند، ته دل من از اینکه من همسری ساکت و بی تفاوت نسبت به خودم دارم افسوس می‌خوردم. «شهن» از همسرش به عنوان مردی چالپوس که از روی ریسمان به وی ابراز علاقه می‌کرد و همیشه جمله دوست دارم را بر زبان می‌آورد یاد می‌کرد و «مریم» مرد خود را آدم شوخی می‌دانست که اصلا متانت سرش نبود و «نازی» نیز از همسر خود به عنوان یک مهندس با کلاسی که همیشه نظرات و پیشنهادات وی مورد پذیرش دیگران بوده سخن به میان می‌آورد و سرنجام «لیلا» نیز از مرد خود به عنوان یک افسر تأثیرگذار و کاردار تعریف می‌کرد که عاشق وی بود و همیشه سخنان زیبایی بر سر زبانش جاری می‌شد، این همه در حالی بود که شنیدن جمله «دوست دارم» یا «چه لباس زیبایی پوشیدی» از زبان پهروز آرزوی دیرینه من شده بود. با اینکه دوسالی از زندگی مشترک من می‌گذشت و ما هنوز بچه‌ای نداشتیم، برخلاف همیشه که خودخوری می‌کردم و سعی می‌کردم کانون زندگی مشترکمان را همچنان گرم نگه دارم سرنجام لب به اعتراض باز کردم و از پهروز خواستم در زندگی کمی به من و نیازهایم به عنوان همسر خود، توجه داشته باشد. ولی وی همچنان در چشمان من نگاه کرد و پس از سکوت کوتاهی خود را قادر به تغییر ندانست و از من خواست اگر سخت است به خانه پدری بروم، با وجود این دیگر تحمل زندگی با مرد بی تفاوتی مانند پهروز برای من غیرممکن بود.

شوک حادثه

کیف سرگردان با ۱۰ میلیون چک بانکی در فرودگاه بجنورد چک

رئیس پلیس فرودگاه بجنورد گفت: مأمور وظیفه شناس پلیس فرودگاه، کیف حاوی اسناد و ۴۱۰ میلیون ریال چک بانکی را به صاحب اصلی اش بازگرداند. سرگرد «محمد رومرودی» گفت: ابراهیم هدایتی صفا از مأموران نیروی انتظامی هنگام مأموریت یک کیف قهوه‌ای رنگ را در حاشیه خیابان پیدا کرد و آن را تحویل یگان داد. وی اظهار داشت: این کیف حاوی اسناد، ۱۲۰ میلیون ریال سفته و ۵ فقره چک بانکی حامل به مبلغ ۴۱۰ میلیون ریال بوده که بلافاصله جهت تحویل دادن کیف با صاحب آن تماس گرفته شد و مأمور نیروی انتظامی کیف را صحیح و سالم به صاحب آن بازگرداند. رئیس پلیس فرودگاه بجنورد در پایان خاطر نشان کرد: صاحب کیف پس از پیدا شدن کیفش از مأمور صحیح‌النفس نیروی انتظامی تشکر کرد.



عکس از این دو نفر پس از حادثه

مادر و دختر قربانی اسید در انتظار معجزه

سمیه که در اردیبهشت‌ماه سال ۹۰ از سوی همسرش مورد اسیدپاشی قرار گرفت در این روزها به هموطنانش برای ادامه در مان نیاز دارد تا سوزش اسید بر تنش کمی آرام بگیرد. روز حادثه مردم روستای «برات آباد» شهرستان بم، فریادهای «کمک کمک سوختم» سمیه را شنیدند اما نمی‌دانستند که او و رعنا قربانی اسید مرد معتادی شدند که قرار بود پیش‌توانه این زن و دختر در زندگی باشد. تمام تلاش‌های برای نجات‌شان فقط سه ماه دوام آورد، زمانی که آنها را در فروردین سال ۹۱ یافتیم، هشت‌ماه به دلیل نداشتن پول تحت درمان قرار نگرفته بودند و در آتش خشم مرد معتاد می‌سوختند. سمیه این زن قربانی اسیدپاشی درباره آخرین وضعیت درمانش به ایسنا گفت: ۱۷ اردیبهشت‌ماه امسال پیوند قرنیه شدم، تا مدت کوتاهی بینایی داشتم، اکنون در حد سایه می‌بینم و حدود یک سال است که جراحی روی پوستم انجام نشده و پزشکان عمل‌هایی را روی «رعنا» انجام می‌دهند چون قرار است سال آینده به مدرسه برود. این زن گفت: برای ادامه درمان در هفته جاری به بیمارستان می‌روم تا برای پیوند مجدد قرنیه معاینه شوم. پزشکان معتقدند اگر این بار پیوند قرنیه در چشمم انجام نگیرد باید با قرنیه مصنوعی پیوند انجام شود. سمیه درباره آخرین وضعیت درمان «رعنا» هم گفت: ۱۷ آبان‌ماه امسال ترمیم پوست سرش انجام شد که موفقیت‌آمیز بود. پزشکان تمام تلاش‌شان را می‌کنند تا رعنا برای رفتن به مدرسه آماده شود اما پروتز چشمش در ۱۶ سالگی وقتی رشدش کامل شد، باید انجام شود. وی درباره درخواستش از محاکم قضایی برای محاکمه همسر و برادر شوهرش که وی را مورد اسیدپاشی قرار دادند، گفت: درخواست قصاص منتهمان را دارم. رعنا نیز خواستار قصاص است و می‌گوید «اگر بابایی روی ما اسید ریخت ما هم باید بریزیم که او هم مثل ما بسوزه». سمیه که این روزها به خاطر درمان عمل‌های متعدد با کمک خیران در مناطق جنوبی تهران خانه‌ای اجاره کرده، از هزینه‌های بالای درمان و ادامه زندگی گلهمند است و می‌گوید با کمک خیران مقداری از وسایل اولیه زندگی را فراهم کرده اما هنوز از لحاظ مالی در تنگناست و پول بارانهاش را که می‌توانست کمک خرجش باشد به علت این که از همسرش هنوز جدا نشده، خانواده او برداشتی می‌کنند و به این ترتیب هیچ منبع درآمدی ندارد و این درحالی است که خانواده خودش هم کشاورز هستند و درآمدشان کفاف امور خودشان را هم نمی‌دهد.

تقلید صدای کاپیتان قلابی برای ثروت باد آورده



گروه شوک: تقلید صدا کافی بود تا کارمندان بانک فریب مرد تماس گیرنده را بخورند و پول‌های میلیونی جابه‌جا شود. مرد شیاد پس از اینکه پول‌های بادآورده را به چنگ می‌آورد با پوشیدن لباس خلبانی به خرید طلا و دلار می‌پرداخت.

روز ۹ شهریورماه نماینده حقوقی یکی از بانک‌ها با مراجعه به کلانتری ۱۰۷ فلسطین از ماجرای یک کلاهبرداری پرده برداشت. وی وقتی برای ردیابی عامل این کلاهبرداری به دستور بازپرس شعبه ۱۱ دادسرای ناحیه ۶ تهران، پیش روی تیمی از پایگاه سوم پلیس آگاهی ایستاد، گفت: سه روز پیش یک مرد در تماس با بانک شعبه خیابان فردوسی و معرفی خود به جای یکی از مشتری‌های قدیمی، سرشناس و خوش حساب، درخواست واریز ۵۴ میلیون تومان به حساب شخص دیگری واقع در شعبه سرآسیاب ملارد را می‌کند که متأسفانه متصدی بانک نیز به صرف این تماس اقدام به واریز این میزان پول می‌کند؛ در حالی که کارمند شعبه تصور کرده بود تماس گیرنده همان صاحب حساب است، پس از انجام عملیات بانکی با ایشان تماس گرفته تا تحصیلدار شرکت وی برای انجام امور بانکی به شعبه مراجعه کند که صاحب اصلی حساب ادعا می‌کند هیچ تماسی با شعبه نداشته و مشخص می‌شود که تماس گیرنده با تقلید صدا اقدام به فریب کارمند بانک کرده و دست به کلاهبرداری زده است.

در حالی که مأموران پلیس هنوز به ردیابی از این شیاد نرسیده بودند سناریوی مشابه دیگری از سوی یکی دیگر از بانک‌ها پیش‌روی آنان قرار گرفت و بررسی‌ها نشان داد مردی

درخواست پیگیری یک قتل پس از ۲۰ سال



گروه شوک: یک زن انگلیسی که ۲۰سال پیش از اتهام قتل پسرش تبرئه شده بود با افشای‌های دختر خود بار دیگر سوژه رسانه‌ها شد. «روت نیوه» مادر «ریکی» شش ساله، ۲۰سال پیش به اتهام آزار و اذیت و قتل فرجیع این کودک بازداشت شد و به زندان افتاد. با توجه به اینکه این زن در تمام بازجویی‌ها اتهام قتل را رد کرد اما پلیس موفق شد کودک آزاری او را ثابت کند. با تلاش و کلاهی این زن، هیأت منصفه این مادر جوان را از اتهام قتل تبرئه کرد اما به جرم کودک آزاری و آسیب به فرزندان هشت سال زندان برایش تعیین کردند. با به پلیس برای یافتن قاتل اصلی، پرونده قتل ریکی شش ساله به پایگانی رفت. این شرایط ادامه داشت تا اینکه پس از ۲۰ سال با افشای‌های خواهر ریکی درباره شکنجه‌های مادرش، این پرونده بار دیگر به سوژه رسانه‌ها تبدیل شد. انتشار گفته‌های تکان دهنده این دختر سبب شد مادر او برای دفاع از خود مصاحبه‌هایی انجام دهد و در آخرین تقاضای خود از پلیس خواست با به جریان انداختن دوباره پرونده قتل فرزندش و پیدا شدن قاتل، اندکی از بار اتهامات او کم کند. مادر ریکی همچنین با ارائه دو تصویر، مظنونانی را در این پرونده معرفی کرد چون این زن معتقد

حلق آویز شده بود. این زن در آخرین مصاحبه خود گفت: من از همه مردم درخواست می‌کنم در صورتی که هرگونه اطلاعاتی درباره حادثه قتل پسرم ارائه کنند چون شاید همین اطلاعات کوچک گره این مشکل بزرگ را حل کند. انتشار گفته‌های دختر این زن باعث به راه افتادن اجتماع‌های معترض در «پتسر بورو» انگلیس نیز شده است. بسیاری از افراد این گروه‌ها پدر و مادرها هستند که معتقدند باید با روشن شدن سریع‌تر این پرونده اتهام خشونت از خانواده‌ها برداشته شود.

است نحوه کشته شدن فرزندش به نظر او کار گروهی حرفه‌ای بوده و با برنامه‌ریزی رخ داده است. ریکی شش ساله ۲۰ سال پیش پس از شکنجه فراوان در نزدیکی خانه مادرش

دوشنبه ۱۰ آذرماه ۱۳۹۳
۸ صفر ۱۴۳۶
۱ دسامبر ۲۰۱۴
سال بیستم
شماره ۵۸۰۶

ایران

تتریک

وحشت در آسانسور

گروه شوک: یک مرد امریکایی که به تقلید از یک بازی رایانه‌ای خود را به شکل یکی از مبارزان چینی درآورده بود درون آسانسور یک ساختمان جای گرفت تا با داد و فریاد و حرکات دست و پا حاضران در آسانسور را دچار وحشت کند.

انتشار این فیلم در فضای مجازی نشان داده که اکثر کاربران آن را وحشتناک دانسته‌اند و حرکات مرد را هیستریک عنوان کرده‌اند.

مادر و پدر این فرشته‌ها در عین حال که می‌خندند نگران آینده هستند

تولد ۷ قلوها در مشهد

گروه شوک: مادر جوان مشهدی در دومین بارداری‌اش هفت قلو به دنیا آورد که یکی از آنها پس از زایمان جان سپرد. شامگاه ۸ آذرماه سال جاری زن جوانی برای به دنیا آوردن هفت قلوهایش راهی بیمارستان ام‌البنین (س) مشهد شد تا فرشته‌های کوچولوش متولد شوند.

«ندا» ۲۴ ساله که هنوز در بهت تولد هفت قلوهایش است به شوک گفت: وقتی متوجه شدم باردارم خیلی خوشحال شدم اما با انجام آزمایش برای سلامتی فرزندم در سه ماهگی فهمیدم به جای یک کوچولو، هفت قلو باردارم. آن لحظه من و همسرم از شنیدن این خبر خیلی شوکه شدیم، حال خیلی عجیبی داشتم اما وقتی به خودم آمدم خدا را شکر کردم. این مادر جوان در ادامه گفت: در ماه هفتم بارداری فرزندم را به دنیا آوردم و فهمیدم خدا دو پسر و پنج دختر به زندگی‌ام هدیه کرده است اما متأسفانه پس از زایمان یکی از پسرانم در گذشت.

حالا که فرشته کوچولوهایم قدم در این دنیا گذاشته‌اند نمی‌دانم چگونه باید از آنها نگهداری کنم چرا که همسر یک کارگر ساده است که در گمرک کار می‌کند و درآمدی نداریم، پدرم نیز زنده نیست و مادرم برای گذران زندگی کارگری می‌کند.

زن ۲۴ ساله ادامه داد: من و همسرم با مادرم در خانه کوچکی در شهرستان درگز زندگی می‌کنیم و من برای وضع حمل به مشهد و خانه خواهرم آمدم. تنها نگرانی‌ام آینده هفت فرزندم است که نمی‌دانم باید چگونه با این مشکلات و هزینه‌های بالا، مخارج زندگی آنها را تهیه کنیم؟!

هنوز نتوانستم شش قلوهایم را ببینم و لحظه شماری می‌کنم حداقل با دیدن فرشته‌های کوچکم دلم آرام گیرد. بنابر این گزارش شش قلوها در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان (NICU) بیمارستان حضرت ام‌البنین (س) در دستگاه «انکوباتور» قرار دارند و تحت نظر پزشکان متخصص هستند.



طولانی‌ترین نقاشی دیواری جهان

گروه شوک: هنرمندان عرب یک تابلو نقاشی دیواری به طول ۲ کیلومتر در منطقه ساحلی جمیرا کشیدند و رکورددار گینس شدند. این تابلو نقاشی تصاویری از حیوانات و پرندگان گوناگون را نشان می‌دهد که به‌عنوان طولانی‌ترین نقاشی دیواری شناخته شده است. این نقاشی به مناسبت روز ملی در امارات کشیده شده و نقاشان می‌گویند در عرض ۲ روز توانسته‌اند آن را تکمیل کنند. مقام‌های منطقه دومی قصد دارند برای جذب گردشگران رکوردهای دیگری را هم به ثبت برسانند.

حمله وحشیانه دزدان به یک مغازه‌دار

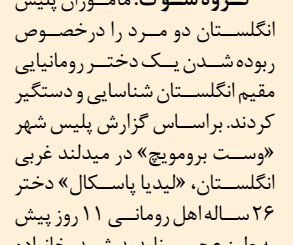
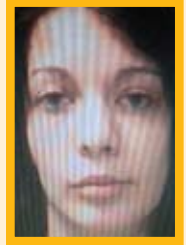
گروه شوک: دوربین‌های مداربسته یک فروشگاه در حمله سه دزد وحشی در «واروکشایر» انگلیس تصاویر دلخراشی گرفته است. به گزارش پلیس، دزدان با چوب بیسیمال و شیشه‌های نوشابه به جان مغازه‌دار ۳۰ ساله افتاده‌اند و پس از ضربه زدن او با چوب و شیشه‌های بسیار بجاری است و در بیمارستان تحت نظر پزشک قرار دارد. پلیس با انتشار تصاویر دوربین مداربسته از مردم خواست است در صورت شناسایی دزدان مهاجم با اداره پلیس تماس بگیرند به گزارش پلیس، سارقان پس از ربودن پول‌های نقد براهتی فروشگاه را ترک کرده‌اند.



توسط پلیس انگلستان انجام شد

۲ تبهکار به جرم ربودن دختری بازداشت شدند

گروه شوک: مأموران پلیس انگلستان دو مرد را در خصوص ربوده شدن یک دختر رومانیایی مقیم انگلستان شناسایی و دستگیر کردند. براساس گزارش پلیس شهر «وست برومویچ» در میدلند غربی انگلستان، «لیدیا پاسکال» دختر ۲۶ ساله اهل رومانی ۱۱ روز پیش به طرز عجیبی ناپدید شد. خانواده لیدیا با گزارش به پلیس و انتشار عکس وی، خواستار پیگیری این ماجرای آدم‌ربایی شدند و سرانجام پس از گذشت ۱۱ روز دو مرد جوان را به اتهام ربودن دختر جوان شناسایی و دستگیر کردند که بازجویی از آنها ادامه دارد. این دو مظنون به آدم‌ربایی اعضای یک باند شرارت و تبهکاری هستند که اذیت و آزار زنان، خرید و فروش مواد مخدر و گروگانگیری در سابقه مجرمانه آنان به چشم می‌خورد.



حلق آویز شده بود. این زن در آخرین مصاحبه خود گفت: من از همه مردم درخواست می‌کنم در صورتی که هرگونه اطلاعاتی درباره حادثه قتل پسرم ارائه کنند چون شاید همین اطلاعات کوچک گره این مشکل بزرگ را حل کند. انتشار گفته‌های دختر این زن باعث به راه افتادن اجتماع‌های معترض در «پتسر بورو» انگلیس نیز شده است. بسیاری از افراد این گروه‌ها پدر و مادرها هستند که معتقدند باید با روشن شدن سریع‌تر این پرونده اتهام خشونت از خانواده‌ها برداشته شود.